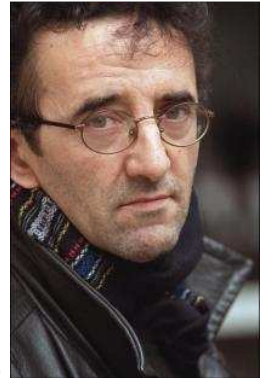


## بلا نزدیک می‌شود در باره‌ی رمان ۲۶۶۶ از روبرتو بولانیو [Roberto Bolaño]

روبرتو بولانیو، نویسنده‌ی شیلیایی را که در جوانی درگذشت، گارسیا مارکز امروز نامیده‌اند.



روبرتو بولانیو، اندکی پیش از مرگ.

نویسنده‌ی شیلیایی-اسپانیایی در پایان رمان پر حجم 2666 انگار با خودش دارد شوخی می‌کند. ویراستارها و غلطگیرها در دفتر انتشاراتی در آلمان نشسته‌اند و دارند پشت سر نویسنده‌ای که پس از مرگ به شهرت رسیده غیبت می‌کنند. خنده‌ای بلند از پس آن می‌آید و بولانیو می‌نویسد "کسی بهتر از آنان نمی‌دانست که شهرت پس از مرگ شوخی بی‌مزه‌ای است که تنها تماشاگران نشسته در ردیف اول می‌شنوند".

این شهرت پس از مرگ نصیب خود بولانیو شد. وقت کافی برای تجربه‌ی آن نداشت. به سال 2003 در سن پنجاه سالگی به انتظار پیوند کید بود که دیر رسید. سال پس از مرگ، رمان 2666 در اسپانیا منتشر شد و مورد تحسین ناقدان قرار گرفت. انتشار برگردان انگلیسی آن در آمریکا بود که این رمان را به عنوان حادثه‌ای ادبی به خوانندگان بیشتتری شناساند. بولانیو استاد بزرگ ادبیات آمریکای جنوبی نامیده شد و 2666 او هم ارز 'صد سال تنهایی'.

پس، تنها تماشاگران ردیف اول نشینند. رمان پانصد صفحه‌ای 'جویندگان سرسخت' / یا: بازرسان وحشی' به سال 1998 منتشر شد و ناقدان آن را با 'ایونا' / 'اگر دوگر' از خولیو کورتازار مقایسه کردند. بولانیو در این رمان به شرح جست و جوی چند شاعر گمنام مکزیکی در یافتن شاعرهای از دست کم دو نسل پیش پرداخته است. جست و جوی آنان به سفری آشفته منتهی می‌شود و روی‌دادی محال از پس روی‌داد دیگر پیش می‌آید و راوی قصد دست برداشتن از پرگویی ندارد.

'جویندگان سرسخت' از آن دست رمان‌هاست که خواندنش وقت و حوصله و بردباری می‌خواهد. به همین خاطر هم ناقدان کار بولانیو را به سختی به عنوان اثر ادبی پذیرفتند. 'خاویه سرکاس' [Javier Cercas] حتماً از این پیش‌تر رفت و در رمان موفق 'سربازان سالامیس' روبرتو بولانیو را یکی از شخصیت‌های داستان‌اش کرد.

بولانیو به این واقعیت سرسخت بی‌اعتنا نماند. در رمان‌های کوتاه‌تر پس از 'جویندگان سرسخت' به نام‌های 'شبانهمی شیلیایی' و 'بدی سبکیار' به شرح شیلی دوران پینوشه پرداخت که آغازش را خود تجربه کرده بود. هوادار سالوادور آینه‌دور آینده بود و برای ادای سهم در ساختن جامعه‌ی عادلانه به شیلی بازگشت. پس از کودتای 1973 به زندان افتاد. چند تنی از دوستان‌اش که به خدمت پلیس درآمده بودند کمک کردند تا قربانی شکنجه نشود.

'بدی سبکیار' نیشتر به عصب جامعه‌ای می‌زند که پیدا و پنهان شکنجه می‌کند. شخصیت اصلی رمان افسر جذاب نیروی دریایی شاعر موفقی است که یکی از بی‌ترحم‌ترین شکنجه‌گران رژیم پینوشه نیز هست. از قربانیان خود مجموعه عکسی تهیه کرده که کار هنری شایسته‌ی نمایش می‌داند. بولانیو در این باره کم می‌گوید، اما همین شرح کوتاه به قیمت چند شب بی‌خوابی و بد خوابی خواننده تمام می‌شود.

واقعیت سرسخت، هسته‌ی آخرین رمانی است که بولانیو نوشته است. صحنه‌ی رمان 2666 دوباره مکزیکی است. کشوری که او در جوانی با خانواده به آنجا رفت و نخستین کارهای آوانگارد ادبی به عنوان شاعر را آغاز کرد. محیطی که بعدها در رمان 'جویندگان سرسخت' شرح خواهد داد. اما در 2666 به خودزندگی‌نامه‌ای می‌پردازد در شرح وحشتی که پانزده سال تمام کشور را در چنگال خود گرفت.

در نزدیکی مرز با امریکای شمالی، در شهر سیداد خوارز [Ciudad Juárez] (در رمان سانتا ترزا [Santa Teresa] نامیده شده است) زنان جوان و گاه کودکان ناپدید می‌شوند که بعد جسدشان از پس تجاوز و کشتن پیدا می‌شود. تعداد قربانیان به بیش از چند صد نفر می‌رسد و داستان‌های غریبی بافته می‌شود. مافیای مواد مخدر در این کار دست دارد، مافیای فروش اعضای تن، یا دیوانه‌ای شاید از میان خانواده‌ای اسم و رسم دار. دولت فاسد این را می‌داند و دم بر نمی‌آورد. روشن است که جلوی تحقیق پلیس را می‌گیرند.

بولانیو در 2666 وقت کافی می‌گذارد تا به این موضوع وحشت‌آور بپردازد. در بخش چهارم از پنج بخش - پس از حدود 400 صفحه - به خود ماجرا می‌رسیم. نویسنده در سه بخش نخست آرام و کند و از بی‌راهه - که گاه بی‌ربطی می‌نماید - خواننده را می‌کشاند به دل ماجرای که با طنزی سیاه به آن پرداخته خواهد شد.

بخش نخست طنزی ناب دارد که در آن چهار پژوهش‌گر ادبیات، شیفته‌ی کار نویسنده‌ی مرموز و بلند قد آلمانی بنو فون آرخیبولدی [Benno von Archimboldi] به سفر گرد جهان می‌پردازند تا نشان تازه‌ای از کار و زندگی او بیابند. در کنگره‌ها شرکت می‌کنند، با دوستاران آرخیبولدی به رقابت و مسابقه می‌پردازند و در این میانه با هم نیز رابطه‌ی عاشقانه برقرار می‌کنند. آرخیبولدی را نمی‌یابند، اما سفرهاشان پربار است. از این‌که به عنوان خواننده‌ی خوب می‌دانند که جست و جو همیشه در گشت و گذار روی می‌دهد و همیشه چیزی یافته خواهد شد. جست و جو در نوشته‌های بولانیو اهمیت دارد.

راه پژوهش‌گران ادبیات در جست و جوی نویسنده‌ی مرموز آلمانی به شمال مکزیک منتهی می‌شود و گویا نویسنده نیز باید آن‌جا باشد. اما آن‌چه می‌یابند شهری است که وحشت در آن نه تنها آنان که خواننده را نیز در بر می‌گیرد. وقتی یکی از آنان با دختری از آن شهر رابطه برقرار کند، ناآرامی فیزیکی به شکل پنهانی آغاز خواهد شد.

اما بولانیو روایت را در این‌جا قطع می‌کند تا در جایی از بخش دوم ادامه دهد. اکنون استادی از دانشگاه سانتا ترزا شخصیت اصلی است که جست و جوگران ادبیات در بخش نخست با او آشنا شده‌اند. تهدید دارد نزدیک می‌شود، زیرا استاد دختری دارد که خیلی نگران‌اش است. با این‌که می‌داند نگرانی‌اش اساس ندارد، آرام به درون آن کشانده می‌شود.

آن‌که از ماجرا خیر دارد، گزارش‌گر رنگین پوستی به نام اسکار فیت [Oscar Fate] است که برای تهیه‌ی گزارش از مسابقه‌ی بوکس به سانتا ترزا آمده است. در جشن نه چندان خوشایند، دختر استاد دانشگاه را که به‌ش مواد مخدر داده‌اند از تجاوز و نیز کشته شدن نجات می‌دهد. در پایان بخش سوم با او به امریکای شمالی می‌رود، اما پیش از آن سری به زندان شهر سانتا ترزا می‌زند که روزنامه‌نگار مکزیک‌ی قصد مصاحبه با مرد متهم به کشتار زنان را دارد. این متهم مردی آلمانی است که دو متر قد دارد.

پرش‌هایی که در روایت بولانیو وجود دارد، دلیل عملی دارد. 2666 قرار بود در پنج جلد جداگانه با فاصله‌ی یک سال از هم منتشر شود. نویسنده می‌خواست با درآمد آن هزینه‌ی تحصیل فرزندان‌اش را بپردازد. کتاب به فرزندان‌اش تقدیم شده است. اما پس از مرگ او، ویراستاران تصمیم گرفتند که کتاب را به رغم خواسته‌ی نویسنده‌اش در یک جلد منتشر کنند. به این خاطر می‌توان به روشنی دید که داستان بولانیو بی‌اعتنا به سنت مدرن نوشته شده که در آن همه چیز باید سر جا باشد و هیچ افزوده‌ی مزاحمی در روایت وجود نداشته باشد.

بولانیو با لذتی ابله‌ی مدام روایت را قطع می‌کند و به بی‌راهه‌های طولانی می‌کشاند که گاه به هیچ جا نمی‌رسد. می‌گذارد تا شخصیت‌ها صفحه‌های بسیار به شرح و اهمه‌های خود بپردازند و با به رویش ده‌ها نوع جلبک در کرانه‌های پروس شرقی – همان بی‌رحمی روایت در «جوبندگان سرسخت» – اما این بار با چاشنی طنز.

روی‌دادهای گوناگون در 2666 آرام در هم می‌پیچند، گرچه در نهایت تمامیت ندارند. واقعیت به همان اندازه‌ی حقیقت کشتار زنان – که در بخش چهارم به آن پرداخته شده – دست نایافتنی می‌ماند. یک کلانتر امریکایی زمان جست و جو در سرنوشت زنی گم‌شده از منطقه ناپدید می‌شود. روزنامه‌نگاران کشته شده با از کار بر کنار می‌شوند. صفحه از پشت صفحه شرح تلاش‌های بی‌فایده‌ی می‌آید که بولانیو زمانی دراز دنبال کرده است و ناگه به شرح شبیه گزارش پلیس از قتل یک قربانی می‌پردازد. رنج و دردی که قربانیان کشیده‌اند و چگونگی یافتن جسد در کدام حال و وضع.

مشکل در بخش چهارم 2666 آغاز می‌شود. بولانیو چه می‌خواهد بکند و تا چه اندازه به شرح خود از موقعیت واقعی سیداد خوارز نزدیک خواهد ماند؟ تخیلی کردن جنایت و بی‌عدالتی همیشه با خود این خطر را همراه دارد که واقعیت در شرح از پیش اندیشیده گم شود. در بدترین حالت نویسنده به کالبد شکافی دیگرآزار تبدیل خواهد شد. اما این رمان را می‌توان ادعای‌نامه‌ای علیه وحشتی دید که شناخته شده است. واقعیت می‌تواند قربانی تخیل بشود، اما ادبیات نیز می‌تواند قربانی واقعیت بشود. رمان باید چیزی جز گزارش یا تبلیغ سیاسی باشد.

پرش خواننده زمانی شکل روشن می‌گیرد که بولانیو در بخش پنجم به شرح زندگی آرخیبولدی می‌پردازد. کشتار جمعی در جنگ دوم جهانی نقش مهمی در این بخش دارد، اما کنار آن معمای ادبی 2666 جلوه‌ی بزرگتری می‌گیرد. بولانیو آیا می‌خواهد میان Endlösung (راه حل نهایی هیتلر) با کشتارها در سیداد خوارز مقایسه بکند؟

این کار ساده نیست، حنا زمانی که می‌گذارد تا آرخیبولدی به شمال مکزیک برود. دایره هنوز بسته نشده است. واقعیت رازآمیز و حل نشده باقی خواهد ماند. درست مثل نام کتاب. بولانیو در رمان دیگری نیز عدد 2666 را به کار برده است، اما این نیز چیزی را حل نمی‌کند.

چنین است که خواننده با انبوهی پرسش و انهاد می‌شود. و این خوانندگی‌ترین و کامل‌ترین رمانی است که بولانیو به جا گذاشته است. در این رمان 1100 صفحه‌ای لحظه‌ای هم نمی‌رسد که خواننده خستگی احساس کند. روایت هربار چیزی شگفت‌انگیز یا شوک دهنده دارد.

توانایی بولانیو در آفریدن صدها شخصیت، که خیلی کوتاه ظاهر می‌شوند اما به شخصیت‌های استوار واقعی تبدیل می‌شوند، شگفت‌انگیز است.

بولانیو شاعری بود که در آغاز دهه‌ی نود سده‌ی پیش، به زمان زندگی در اسپانیا، تصمیم به نوشتن رمان گرفت تا بتواند هزینه‌ی زندگی خود و فرزندان‌اش را تأمین کند.

روبرتو بولانیو (1953-2003) شاعر و نویسنده‌ی شیلیایی است که جهان ادبیات هنوز به او توجه دارد. برگردان رمان 2666 پس از انتشار در امریکا بسیار مورد بحث قرار گرفت. جان‌اتان لثم [Jonathan Lethem] نویسنده در نیویورک تایمز به تحسین آن پرداخت و در کنار آن به اعتیاد بولانیو به هرویین اشاره کرد. این سبب شد که بیوه‌ی بولانیو نسبت به آن واکنش نشان دهد و

ضمن سپاسگزاری از جاناتان له‌تم شایعه‌ی کهنه‌ی اعتیاد را تکذیب کند. علت آن سوءتفاهمی است که داستان 'The Beach' بولانیو انگیزته است. در آن داستان، راوی اول شخص به بیماری خود اشاره می‌کند، اما این داستان تخیلی است و هیچ ربطی با واقعیت زندگی او ندارد. علت رسمی مرگ بولانیو هیپاتیت B ذکر شده است.

'جویندگان سرسخت' جایزه‌ی Premio Rómulo Gallegos را دریافت کرد که مهم‌ترین جایزه‌ی ادبی امریکای لاتین است و پیش‌تر به ماریو و ارگاس یوسا، گابریل گارسیا مارکز و خاویه ماریاس [Javier Marías] تعلق گرفته است.